

پوری‌پدیا PouriPedia

تردد زیدریایی در اتوبان همت ممنوع شد



پوری‌پدیا عالمی

- مجلس حدود تخلفات احزاب را مشخص کرد.

فقط ما مانديم که الان کدام احزاب اصولا دارند کار می‌کنند یا اگر دارند کار می‌کنند، کار حزبی می‌کنند که مجلس احساس کرده باید حدود تخلفات آنان را مشخص کند.

این‌طور که ما با چشم غیر مسلح می‌بینیم، الان یا حزبی وجود ندارد یا اگر چیزی به اسم حزب وجود دارد، اعضای حزبی وجود ندارد یا اگر الان چیزی به اسم عضو وجود دارد، معلوم نیست این عضو دقیقا عضو کجاست.

چون الان مدت‌هاست اعضای حزب‌ها حالت عجیبی دارند. چه حالتی؟ این حالت که ما یک‌بار پایمان شکسته بود و گچ گرفته بودیم منتها این عضو عزیزمان هی می‌خارید منتها هرکاری می‌کردیم، نمی‌شد چون دستمان زیر سنگ و پایمان در گچ بود. اعضای حزب‌ها هم این‌طوری هستند.

به همین دلایل، اینکه مجلس حدود تخلفات احزاب را مشخص کرده، برای ما خیلی جالب است. مثل اینکه وسط کویر لوت یک تابلو بزنند و حدود شناکردن در دریای خزر را مشخص کنند و بعد بگویند هر کی زیرآبی رفت، تخلف کرده است. خب عزیز من وقتی وسط کویر حتی نمی‌شود انگشت شست پای مبارک را کرد توی دریا، آخر چطوری زیرآبی برویم؟ هان؟ وجدانی سؤال است.

یا مثل این است که هنوز یک جایی را لوله‌کشی گاز نکرده باشند، اما به مردم بگویند که در مصرف گاز صرفه‌جویی کنید.

یا مثلا برنامه‌های تلویزیون را جلو آدم روشن کنند و به آدم بگویند حق ندارید از برنامه‌ها لذت ببرید. خب وقتی برنامه‌های تلویزیون لذت‌ناک نیست، ما از چی می‌توانیم لذت ببریم که حالا ببریم یا ببریم.

به‌نظر ما حالا که مجلس حدود تخلفات احزاب را روشن کرده، بد نیست راهنمایی‌و‌اندگی هم حدود تخلفات رفت‌وآمد بشقاب‌پرنده‌ها یا زیردریایی‌ها را در اتوبان‌های تهران مشخص کنند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ ۲۰ شعبان ۱۴۳۶ ۲۱ می ۲۰۱۵
سال دوازدهم « شماره ۲۳۰۵ » ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

امین منتظری



منتشر شد

دایرکتوری کارگزار روابط عمومی

راهنمای ارتباطی روابط عمومی‌های ایران

۱۳۹۴



کارگزار روابط عمومی



تلفن پخش: ۰۲۱-۸۸۲۱۶۲۷۷ - ۸۸۶۱۷۵۷۷ - ۸۸۶۱۷۵۷۶
وب‌سایت: www.shara.ir | www.irancpr.ir



عبدالرحمن نجل رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

نمی‌توانم خوشحالی‌ام را پنهان کنم که پس از انتظاری چندین‌ساله نسخه‌دوبله به فارسی فیلم «کی‌ی برابر اصل» «کیارستمی» را روی پرده سینمای ایران می‌بینم. در آن سال‌ها، وقتی از تصمیم «کیارستمی» برای ساختن این فیلم باخبر شدم، نگرانی‌ام این بود که آیا او در شرایط کار با هنرپیشه کارکشته‌ای چون «ژولیت بینوش» و در فضای روایی کاملاً اروپایی، خواهد توانست اصالت سبک خاص هنری خود در سینما را حفظ کند. ولی با دیدن فیلم در آن زمان خیالم راحت شد که کی‌ی اروپایی «کیارستمی» برابر اصل ایرانی‌اش است و او همچنان به اصالت تعریفی که از هنر سینما دارد، وفادار مانده است. برای من که در عرصه مغزپژوهی فعالیت می‌کنم، محک‌زدن خصلت سینمای «کیارستمی» به ارزشانی وفاداری‌اش به دغدغه‌های ذهنی او در رابطه با واقعیت، خیال، رؤیا و افشای حقیقت پنهان در پس آنها روی پرده سینما برمی‌گردد. در این رابطه، «کیارستمی» در این فیلم نیز ذره‌ای کوتاه نمانده است. او این‌بار نیز خود را در قالب خواننده اپرا (ویلیام شیمل) در نقش نویسنده‌ای انگلیسی صاحب نظریه‌ای هنری، «جیمز میلر»، در آینه هنرپیشه فرانسوی (ژولیت بینوش) در نقش صاحب کاری هنری در ایتالیا می‌بیند و روایتی

همین حوالی

کشتی حامل روحیه اینارگری



عبدالصمد خرمشاهی

آنچه این‌روزها در یمن درحال جریان است، اتفاقات دردناکی است. جنگ در یمن شکل یک فاجعه انسانی را به خود می‌گیرد و متأسفانه هوشیاری و دقت بالایی که برای حل این بحران نیاز است، در برخی از ممالک همسایه دیده نمی‌شود. کسانی از شعله‌ورشدن مناقشات در یمن سود می‌برند و به اینکه دود چنین آتشی محدود به مرزهای این کشور نخواهد ماند، بی‌توجهند. گشتار مردم بی‌گناه به دلیل اعتقاداتشان، هم از نظر حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها و هم از نظر احکام و دستورات اخلاقی و دینی مذموم است. کمک به حل سریع‌تر این بحران نه‌تنها وظیفه‌ای بین‌المللی که تکلیفی انسانی و اخلاقی است. کشتی حامل کمک‌های انسان‌دوستانه از بندرعباس حرکت کرده و فردا به بندر حدیده در یمن می‌رسد. این اقدام را باید در راستای روحیه اینارگری که در فرهنگ مردم ایران هست، دید و تفسیر کرد مثل همیشه که مردم ایران در کمک به مردم دچار انواع بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی پیش‌قدم بوده‌اند. البته از زمان حرکت این کشتی، مقامات عربستان در راض از یک‌سو و آمریکایی‌ها از سوی دیگر ادعاهای متعددی را مطرح کرده‌اند؛ ادعاهایی نظیر اینکه کمک‌های بشردوستانه پوششی برای رساندن اسلحه به جوتی‌هاست. ادعاهایی نظیر این و بررسی راستی و نارسائی‌شان نباید مانع از کمک به مردم بی‌گناه یمن شود. زیرا آنچه محل مناقشه نیست، این است که نه‌تنها در ایران که در همه‌جای دنیا آنچه با وجدان بشر ملازمت و همخوانی دارد، نوع‌دوستی است و بس.

پیشنهاد فردا

- جمعه این هفته، گالری هما، میزبان نقاشی‌های نرگس بنان است. بنان با نمایشگاه «در خلسه چتر آسمان» تا دوازدهم خرداد در این گالری نقاشی‌هایش را که عموماً از جنس خاطرات خویش است به معرض دید علاقه‌مندان خواهد گذاشت.

اتفاق

آیا کی‌ی برابر اصل است؟

باورپذیر و واقع‌نما از آن می‌سازد. «کیارستمی» نشان می‌دهد که هنوز از دام سوالات فلسفی کودکانه و مصائب و درگیری‌های چالش‌برانگیز کودک همراه سمجی که چسبیده به او حرکت می‌کند، خلاص نشده است. او در این فیلم نیز نشان می‌دهد که به رابطه عاطفی پایدار و ماندگار بین زن و مرد، مشکوک و مردد است و آگاهانه از نزدیک‌شدن عاطفی ریزیز دارد و به وقوع آن در دیگران با رشک و حسرت می‌نگرد. از دیدگاه او، هنر، راه نجاتی است که کشف دائم تفاوت‌ها از دل شباهت تکرارها را میسر می‌کند که اغلب در غفلت روزمرگی از نظر پنهان می‌مانند. «کیارستمی» در قالب مردی انگلیسی که درباره هنر می‌نویسد، به این سندرم گرفتار آمده است که در هر تکراری در کار هنر، پدیده‌های نو آفریده می‌شود که فرصتی به وفادارماندن به داشته‌ها و خاطره‌ها و گذشته‌ها نمی‌دهد. هر سروری در کناره جاده، خصوصیات منحصربه‌فردی دارد که می‌تواند به ابژه هنری بالارزشی در موزه تبدیل شود. جهان «کیارستمی» پر از تکرارهای تکرارناشدنی بی‌پایان است. او حیران در جاده‌های این وادی بی‌پایان کشف تفاوت‌ها در حرکت بی‌قرارانه، می‌خواهد خود را از هرآنچه رنگ تعلق می‌پذیرد، آزاد کند. برعکس، شخصیت زن فیلم در تکاپوی یافتن تشابهات، اسیر خاطره‌ها و خیال‌هاست. او مردی را که چند ساعتی پیش نیست ملاقات کرده، مشابه شوهرش که ۱۵سال با او زیسته، تصور می‌کند. چنان رفتار می‌کند که مرز واقعیت و خیال و خاطره برای بیننده فیلم هم مخدوش می‌شود و این فقط با بر مضمون‌تر می‌کند.

کافه نظر

از دوم خرداد چه به یاد داریم

مهسا علی بیگی؛ ۱۸ سال از دوم خردادی گذشت که در آن فردی به ریاست‌جمهوری انتخاب شد که متفاوت از دیگران بود. مردی آمده بود که فضای متفاوت سیاسی و اقتصادی را رقم زد و شور و اشتیاقی متفاوت را برای جوانان به ارمغان آورد. اکنون در آستانه سال‌روزی دیگر به سراغ افراد مختلف رفته‌ایم تا بدانیم از آن‌روز‌ها چه خاطره‌ای دارند.



حسین انصاری‌راد ◀ رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس ششم

در زمان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ من نماینده مجلس پنجم بودم. آن زمان آقای ناطق‌نوری رئیس مجلس بود و به‌عنوان رئیس مجلس، هم ناطق بسیار خوبی بود، هم چهره سیاسی شناخته‌شده‌ای داشت و هم ارتباط خوبی بین او و نمایندگان مجلس برقرار بود. جناح اصولگرای مجلس پنجم که آن زمان به‌عنوان محافظه‌کار شناخته می‌شدند، اکثریت مجلس را در دست داشتند. به‌خاطر دارم، ۱۲۰ نفر از نمایندگان در حمایت از آقای ناطق‌نوری برای بیانیه‌ای امضا جمع می‌کردند. یکی از این نمایندگان که حالا از چهره‌های شناخته‌شده اصولگراست، پیش من آمد و از ویژگی‌های مثبت آقای ناطق سخن گفت. من ضمن تأیید صحبت‌های او، گفتم: «راستش چلوکیاب خیلی غذای خوبی است ولی مردم ما دیگر از چلوکیاب‌خوردن خسته شده‌اند و این غذا دلشان را زده، مردم الان دلشان می‌خواهد کشک بخورند!» برای من روشن بود که مردم طالب اصلاح هستند و می‌خواهند در اداره کشور تجدیدنظر شود. این را در سفر انتخاباتی ایشان به نیشابور به خودشان گفتم. بعد از روی‌کارآمدن دولت اصلاحات چشم مردم به روزنه روشن و درخشان امید افتاد و آن را تجربه کردند. با وجود این باید تأکید کنم آقای ناطق‌نوری همیشه برای من سیاست‌مداری مسلمان و جوانمرد است. آن زمان او را به همین صفات می‌شناختم و به او ارادت داشتم و هر قدر هم که زمان بیشتر می‌گذرد، ارادتم به او بیشتروبیشتر می‌شود.



عبدالحسین مختاباد ◀ عضو شورای شهر تهران

در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ من و آقای میرباقری دو نفر از هنرمندانی بودیم که از کاندیداتوری آقای ناطق حمایت کردیم. من شخصا چون همشهری آقای ناطق بودم و از نزدیک نحوه مدیریتش را می‌شناختم، این تصمیم را گرفتم. آن زمان جوی در بین هنرمندان وجود داشت که رأی دادن به ناطق گناهی نابخشودنی بود ولی تنها کسی که به این حرکت ما خرده نگرفت و حتی حمایت کرد، خود آقای خاتمی بود. ایشان احترام زیادی برای آقای ناطق قائل بود و این رفتار به‌عنوان یک رقیب سیاسی پسندیده است. پس از روی‌کارآمدن ایشان هم یکی از اتفاقات بسیار خوبی که در زمینه فرهنگ و هنر افتاد، برداشته‌شدن ممیزی‌های خسته‌کننده بود که نوید آینده‌ای خوب را می‌داد. با آمدن دولت اصلاحات هشت سال طلایی در ایران شروع شد و در جامعه ما توسعه‌ای همه‌جانبه صورت گرفت به‌طوری‌که خود من در دوره بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری به ایشان رای دادم.



قطب‌الدین صادقی ◀ کارگردان

خاطره‌ای که از دوم خرداد ۱۳۷۶ دارم و همیشه به یادش می‌افتم، روز اعلام کاندیداتوری آقای خاتمی است. آن روز چندین تهیه‌کننده خوش‌فکر تلویزیون دورهم جمع شده بودند و می‌خواستند درام‌های بزرگانی چون شکسپیر، مولیر و... را برای تلویزیون اجرا کنند. در جلسه جز من، کسانی چون سمندریان، خسروی و صابری هم حضور داشتند. وقتی خبر رسید که ایشان کاندیدای ریاست‌جمهوری شده، فضای جلسه تغییر کرد، بحث اصلی منحرف شد و چنان هیجانی همه را فراگرفت که همان‌جا تصمیم گرفتیم برویم و به ایشان رای بدهیم. حتی یادم هست در دوران تبلیغات، پسر هشت‌ساله من بدون اینکه من یا بزرگ‌تری از او خواسته باشیم، به خیابان می‌رفت و تراکت تبلیغاتی پخش می‌کرد. دلیل این‌همه شور و تحرک اجتماعی بی‌سابقه، درک انجام تغییرات اساسی بود. این شور به‌قدری بود که ما را با جامعه آشتی داد و به نظر من نقطه‌عطفی دیگر پس از انقلاب بود. اما متأسفانه خیلی زود ما اسیر مدیران میانی میانمایه‌ای شدیم که به‌شدت عرصه را بر هنرمندان تنگ کردند. به نظر من یکی از دلایلی که توقیفی در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ به وجود آمده بود، ادامه‌پیدانکردن همین فرصت‌طلبی‌های مدیران میانی بود.

تجربه

علی درس می‌خواند

جواد ماهر: معلم‌ها هرکودک لازم‌التعلیم را به چشم شاگرد کلاس می‌بینند. پرسش از هویت و وطن، فرع قضیه است. مهر گذشته مدیر، علی را سر کلاس اول نشاند. من با مادر علی صحبت کردم که پدر علی را وادار کند بیفتد دنبال شناسنامه، مادر گفت رفته و پاسخ نگرفته است. کنکاش کردم بینم چه می‌شود کرد. اما به علی که با کیف و کتاب آمده بود مدرسه که نمی‌توانستیم بگوییم نیا. چون شناسنامه نداشت. چون پدرت اهل افغانستان است. ما که نتوانستیم بگوییم. حالا که مقام‌معمظم‌رهبری دستور داده است به مثل علی‌ها نه بگویید، تنها نیستیم. به‌خاطر این اتفاق خوب، یک بسته شکلات گرفتم و رفتم سر کلاس اول. به سمت علی که خانم معلمش از او حسابی راضی است، دست دراز کردم و گفتم: «بزن قدش. بزن قدش که تا آخر بری». علی محکم زد قدش. بعد با پچه‌ها شعر خواندیم. دست زدیم و شادی کردیم. هفته آینده علی کنار دیگر بچه‌های کلاس‌اولی جشن الفبا دارند. علی می‌خندد. علی خوشحال است.

